

بررسی عوامل شکل گیری جرم در شهرک های اقماری اطراف کلانشهرهای ایران

علی پورجواهری^۱، محمد هاشمی^۲، مهدی ریاضی^۳

^۱دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی، استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یاسوج، یاسوج، ایران

^۲کارشناس ارشد، حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، اراک، ایران

^۳کارشناس ارشد، حقوق خصوص، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

نویسنده مسئول:

محمد هاشمی

چکیده

در طی چند دهه اخیر به دنبال تحولات صنعتی، اقتصادی، اجتماعی و مهاجرت از روستاها به شهرها رشد و گسترش مناطق حاشیه نشین، انواع آسیب های اجتماعی را به دنبال داشته است. امروزه آسیب های اجتماعی از مهم ترین عوامل تهدید کننده امنیت در کلانشهرها محسوب می شوند. حاشیه نشینی و جرم پیوند نزدیکی باهم دارند احساس ناامنی در مناطق حاشیه نشین، تنها به دلیل جرایم خشونت آمیز نیست بلکه ناهنجاری ها و رفتارهای اخلاک گرانه چون اعتیاد، ولگردی، تكدی گری و سرقت گذشته از اینکه عامل اصلی ترس و احساس ناامنی عمومی اند به نوبه خود قطعا زمینه رواج گسترده جرایم را نیز فراهم می نمایند. موضوع حاشیه نشینی یکی از معضلات شهری است که از حیث بستر قرار گرفتن برای ارتکاب جرایم مورد توجه کارشناسان حقوقی و قضایی و جرم شناسان بوده. اینکه جرایم در مناطق حاشیه ای بسیار بیشتر از سایر مناطق اتفاق می افتد مورد پذیرش همه است و آمارهای اخذ شده از پرونده های مطروحه در دادگستری نیز حکایت از این واقعیت دارد. در این مقاله هدف نشان دادن بررسی علل و عوامل شکل گیری جرم در شهرک های اقماری اطراف کلانشهرهای ایران می باشد و مبارزه با شکل گیری حاشیه ای جدید و ساماندهی مناطق حاشیه ای موجود بسیار ضروری و حایز اهمیت است و مبارزه و ساماندهی با این هنجارشکنی میسر نمی شود مگر با همکاری کلیه دستگاه های مسئول و اگر چنین استراتژی واحد و مشترک از ناحیه مسئولان صورت پذیرد شاهد کاهش چشم گیر جرایم نیز خواهیم بود. بدو در این مقاله تصویر و چهره ای از حاشیه نشینی و علل شکل گیری آن را ترسیم می کنیم سپس جرایمی که در این مناطق معمولاً اتفاق می افتد و نیز توصیه هایی جهت پیشگیری از وقوع جرم در این مناطق را بیان خواهیم کرد.

کلمات کلیدی: عوامل شکل گیری شهرک های اقماری، حاشیه نشینی، امنیت اجتماعی، جرایم، آسیب اجتماعی.

مقدمه

موضوع حاشیه نشینی یکی از معضلات شهری است که از حیث بستر قرار گرفتن برای ارتکاب جرایم مورد توجه کارشناسان حقوقی و قضایی و جرم شناسان بوده. اینکه جرایم در مناطق حاشیه‌ای بسیار بیشتر از سایر مناطق اتفاق می‌افتد مورد پذیرش همه است حاشیه نشینی، نوعی از سکونت است که در آن افراد در مناطق مجاور شهر اقامت دارند و از حداقل امکانات و خدمات بی‌بهره‌اند البته باید گفت قید مجاور شهر در مواردی نقض می‌شود به این دلیل که شهرک‌های اقماری در نواحی مجاور شهر باعث می‌شود حاشیه‌نشین‌ها بین نواحی شهری جای گیرند به این ترتیب آنچه می‌ماند فقدان برخورداری از حداقل امکانات و خدمات شهری برای ساکنان این مناطق است این امر باعث می‌شود برخی مناطق درون محدوده جغرافیایی شهر جزئی از حاشیه‌نشین‌ها تلقی شود (سیدی، ۱۳۸۴: ۲۹). احساس ناامنی در محله، تنها به دلیل جرایم خشونت آمیز نیست بلکه ناهنجاری‌ها و رفتارهای اخلاص گرانه چون اعتیاد، ولگردی، تکدی گری و سرقت گذشته از اینکه عامل اصلی ترس و احساس ناامنی عمومی‌اند به نوبه خود قطعا زمینه رواج گسترده جرایم را نیز فراهم می‌نمایند (تاج زمان، ۱۳۷۸: ۴۴). یا می‌توان گفت حاشیه نشین فردی است مهاجر یا غیر مهاجر که به دلیل فقدان ریاست و تخصص صنفی و نبود بنیان‌های مالی توانمند و طبقه و فرهنگ اجتماعی متناسب با طبقات و فرهنگ متعارف و لازم شهری در حاشیه واقع شده است. این افراد بیشتر به علت عوامل رانش زادگاه خود و کمتر به دلیل عوامل جاذب شهری، زادگاه خویش را ترک کرده و به شهر ها روی می آورند. آنها به دلیل عدم تطبیق با محیط شهری از یک سو و بر اثر عوامل پس ران شهری از سوی دیگر از محیط شهری پس زده می‌شوند و به تدریج به کانون های به هم پیوسته و یا جدا از یکدیگر در قسمت هایی از شهر سکنی می‌گزینند به صورتی که محل سکونت و نوع مسکن آنها با محل سکونت متعارف شهری مغایر بوده و مالکیت آنها غالبا غصبی است و همچنین این افراد از نظر وضعیت فرهنگی و اقتصادی نیز با جمعیت شهری تمایز دارند. حاشیه نشینی مشکلات اجتماعی موجود در شهرها را تشدید کرده و آنها را گسترده تر می‌سازد. وجود حاشیه نشینان در مناطق حاشیه‌ای شهرها به لحاظ تقاضا برای استفاده از منابع آموزشی و پرورشی می‌تواند موجب افزایش فشار بر منابع موجود در این زمینه می‌شود و یا اینکه سطح بی سوادی را افزایش می‌دهد. و پدیده‌ها و معضلات اجتماعی چنانچه بدون برنامه ریزی و بصورت بنیادین و ریشه‌ای با آنها برخورد نشود موجب پیدایی آنها در شکل و شمایل دیگر خواهد شد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۱: ۳۳). با توجه به مطالب مذکور هدف اساسی مقاله حاضر بررسی علل شکل گیری جرم در شهرک‌های اقماری می‌باشد که در پرتو آن به مباحثی نظیر عوامل موثر در پیدایش این‌ها و پیامدهای اجتماعی آن و نیز نقش نشینی در تهدید علیه امنیت اجتماعی پرداخته می‌شود.

تعریف شهرک‌های اقماری و حاشیه نشینی

اقمار اسمی عربی و جمع کلمه قمر می باشد. قمر مطابق فرهنگ فارسی معین به معنای "ماه" و یا "سیاره کوچکی که به دور سیاره های بزرگ می چرخند" می باشد. بنابر این در زبان فارسی اقمار به معنای ماه ها می باشد. به طور کلی اقماری به نقاط و یا فعالیت هایی کوچکی گفته می شود که پیرامون یک نقطه و یا فعالیت بزرگ تر و وابسته به آن در حال انجام است. شهرک های اقماری به شهرهای کوچکی که در اطراف شهرهای بزرگ و با هدف های گوناگون از جمله تمرکز زدایی احداث گردیده اند و یا وجود داشته اند شهرهای اقماری می‌گویند. مانند: فولاد شهر در اصفهان یا شهرک گلستان در شیراز حتی ممکن است برخی از شهرهای اقماری قدیمی تر از کلان شهر باشند مانند شهر ری در تهران و یا با رشد و گسترش کلان شهر به وجود آمده‌اند مانند کرج در تهران. یوکوهاما ژاپن بزرگترین شهر اقماری توکیو و حتی جهان است (ستوده، ۱۳۸۰: ۱۸).

تعریف حاشیه نشینی: حاشیه نشینان کسانی هستند که در شهر سکونت دارند ولی به علل و عواملی نتوانسته‌اند جذب نظام اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر شوند و از خدمات شهری بهره‌مند گردند (عابدینی، ۱۳۶۴: ۳۵). اگرچه به نظر می آید مهاجرت عامل اصلی شکل دهی و رشد مناطق حاشیه نشینی در شهرهاست، ولی واقعیت این است که بخشی از حاشیه نشینان ساکنین همیشگی شهر می باشند که به علت فقر اقتصادی در واحدهای مسکونی غیر متعارف، غیر استاندارد و غیر رسمی زندگی می‌کنند؛ واحدهایی که بعضاً از حداقل امکانات و ملزومات بهداشتی و رفاهی محروم می‌باشند. تصویری که "چارلز آبرامز" از حاشیه نشینی ارائه می‌دهد ساختمان و یا بخشی از شهر است که در آن ویرانی، نارسایی عرصه خدمات درمانی، تراکم جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوارض طبیعی دیده می‌شود. پی فول (۱۹۹۶) معتقد است که مناطق دارای نرخ بالای بزهکاری از ویژگی های خاصی چون، بی ثباتی جمعیت، تنوع نژادی، جابجایی مکانی رو به تزاید و فقر اقتصادی برخوردار می باشند. پارک (۱۹۸۹)، از بین رفتن همبستگی های محلی و تضعیف موانع و مناهی گروه اولیه زیر نفوذ محیط شهری را تا حد زیادی عامل افزایش جرم و جنایت در شهرهای بزرگ می‌داند. پارک انسان حاشیه نشین را شخصیتی می‌داند که از حاصل برخورد با پیوند و نظام فرهنگی متفاوت و احياناً متخاصم ظهور می‌نماید. به نظر پارک، چینی موجود دو

رگه‌ای در زمان واحد نسبت به هر دو نظام احساس همبستگی و تعلق دارد، ولی درعین حال خود را نسبت به هیچ کدام، کاملاً متعلق و متمایل نمی‌داند (انصاری، ۱۳۸۱: ۳۰).

ماهیت شکل گیری شهرک‌های اقماری

افزایش روز افزون شهرنشینی به گسترش هر چه بیشتر سکونت گاه های غیر رسمی در جهان مبدل شده است. اما ماهیت سکونت گاه های غیر رسمی گرچه در همه جهان یکسان بوده و نتیجه فقر می‌باشد اما از نظر شکل سکونت گاه‌های غیر رسمی شکل گرفته در ایران با سایر نقاط جهان متفاوت می‌باشد. شهرک های اقماری در شهر های بزرگ دلایل زیادی، از جمله تمرکز امکانات در شهرهای بزرگ و توزیع ناعادلانه موقعیت‌های شغلی و ثروت دارد (عبادی نژاد، ۱۳۸۱: ۱۲). این معضل از سال‌های پیش از انقلاب و از زمان اجرای اصلاحات اراضی در حکومت پهلوی آغاز شد و پس از انقلاب اسلامی نیز ادامه و در سال‌های اخیر رشد قابل توجه‌ای داشته است. افزایش مهاجرت روستائیان به شهرهای بزرگ منجر به افزایش مشکلات و ناهنجاری های اجتماعی در شهرهای بزرگ می‌شود. ترافیک افزایش می‌یابد، شهرک‌های اقماری توسعه می‌یابد، بیکاری مهاجرین منجر به توسعه شغل‌های کاذب و افزایش تنش‌های اجتماعی و فعالیت‌های مخل آسایش و امنیت اجتماعی می‌گردد. رشد شهرنشینی و صنعتی شدن جوامع شهری و استفاده از رفاه و ارزش‌های مادی موجود در شهرها باعث جذب روستائینان شده است. عدم تمکن مالی این افراد باعث می‌شود که نتوانند در درون شهرها جایی برای زندگی پیدا کنند لذا به حواشی کلانشهرها جهت سکونت پناه می‌برند. ظهور شهرک‌های اقماری مختلف در کل کشور همگی به نوعی از کانون هایی تبدیل شدند که نه تنها هرگز نتوانستند امنیت لازم را برای ساکنین خود به ارمغان آورند بلکه خود همیشه تهدیدی برای کلانشهر پیرامون خود محسوب می‌گردند (مسعودی فر، ۱۳۸۵: ۱۸).

حاشیه نشین‌ها جزء مناطق مستعد ارتکاب جرم هستند، فقدان نظارت امنیتی کافی وجود تعداد زیادی افراد نیازمند و بیکار، سطح پایین سواد، فقدان روشنایی کافی در معابر و وضعیت جغرافیایی بعضی مناطق همه باعث می‌شود مجرمین به راحتی در آنجا پناه گیرند و تا زمانی که این عوامل زمینه‌ساز وجود داشته باشد این مناطق بالقوه جرم‌خیز خواهند ماند. از علل عمده پیدایش شهرک های اقماری مانند (کمی درآمد روسای خانوار و بالا بودن بهای زمین و هزینه ساخت و ساز، دافعه های مبداء، قطعه‌بندی زمین های بزرگ، مهاجرت) و از عوامل مجرمانه یا بزهکارانه در بعد از شکل‌گیری های اقماری (سرقت، قتل عمد، نزاع های دسته جمعی، تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست، اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی) نام برد (بینالو، ۱۳۸۵: ۷۴). این در حالیست که بی‌توجهی و غفلت از سازماندهی حاشیه نشینان و عملیاتی نکردن قابلیت‌های حقوقی و اجرایی در این زمینه؛ هزینه‌های سنگینی را به دولت، جامعه و مردم تحمیل کرده است. شهرک‌های اقماری یکی از بستر های وسیع ناهنجاری های اجتماعی است که در صورت تداوم سیاست های موجود، می‌تواند کشور را با بحران بزرگی روبه رو کند. حاشیه نشینان در طول سال‌های گذشته هیچ گاه مورد حمایت دولت و گروه های سیاسی حاکم قرار نگرفته‌اند، بلکه همواره و با تغییر دولت ها و مدیریت شهری همچنان با مشکلات بسیاری مواجه‌اند. احساس ناامنی در محله، تنها به دلیل جرایم خشونت آمیز نیست بلکه ناهنجاری‌ها و رفتار های اخلاک‌گرانه چون اعتیاد، ولگردی، تکدی‌گری و سرقت گذشته از اینکه عامل اصلی ترس و احساس ناامنی عمومی‌اند به نوبه خود قطعا زمینه رواج گسترده جرایم را نیز فراهم می‌نمایند. همانطوریکه اگر پنجره‌ای از ساختمان بشکند و همچنان تعمیر نشده رها گردد به زودی کل ساختمان منهدم خواهد شد. برای پیشگیری از انهدام اجتماع نیز باید به محض شکسته شدن اولین هنجار فوراً با هنجارشکن برخورد کرد. موضوع شهرک‌های اقماری یکی از معضلات شهری است که از حیث بستر قرار گرفتن برای ارتکاب جرایم مورد توجه کارشناسان حقوقی و قضایی و جرم‌شناسان بوده. اینکه جرایم در مناطق حاشیه‌ای بسیار بیشتر از سایر مناطق اتفاق می‌افتد مورد پذیرش همه است و آمارهای اخذ شده از پرونده های مطروحه در دادگستری نیز حکایت از این واقعیت دارد.

ویژگی های حاشیه نشینی و حاشیه نشینان

- ۱- حاشیه نشینی ناشی از فقر است.
- ۲- حاشیه نشینی ناشی از تشدید نرخ مهاجرت های روستایی - شهری است.
- ۳- در مناطق حاشیه نشینی، اشتغال غیر رسمی، غیر مولد و انگلی وجود دارد.
- ۴- در مناطق حاشیه نشینی فرهنگ فقر وجود دارد.
- ۵- در مناطق حاشیه نشینی تقدیرگرایی (Fatalism) حاکم است.
- ۶- حاشیه نشینان سواد پائینی دارند.
- ۷- حاشیه نشینان درآمد پائینی دارند.
- ۸- نرخ بیکاری در مناطق حاشیه نشینی بسیار بالاست.
- ۹- حاشیه نشینان در سکونتگاه های غیر متعارف و غیراستاندارد زندگی می کنند.
- ۱۰- تراکم جمعیت در مناطق حاشیه نشین بسیار بالاست.
- ۱۱- میزان کار کودکان در مناطق حاشیه نشین بسیار بالاست.
- ۱۲- میزان انحراف و جرم در مناطق حاشیه نشین بسیار زیاد است.
- ۱۳- از نظر اجتماعی و فرهنگی، بافتی جدا از بافت جامعه شهری دارند (محسنی، ۱۳۷۱: ۸۸).

مهاجرت، بستر ساز وقوع جرم

بیشتر افراد مهاجری که به شهرها روی می آورند، شغل ندارند و از نظر اقتصادی هم دچار بحران هستند. از این رو برای امرار معاش، به پول نیاز دارند و در چنین بحرانی است که انگیزه های ارتکاب جرم مهاجران فراهم می شود. می گویند افغانه در زمستان و در فصل بیکاری، بیشتر مرتکب جرم می شوند. این دسته به عنوان مهاجران خارجی، بیشترین توجه را در خصوص ارتکاب جرم به خود اختصاص داده اند، اما سال هاست بیماری شهرهای بزرگ، مهاجرت و در پی آن حاشیه نشینی شده است و در این میان تفاوتی میان افغان و غیرافغان نیست. بوی جرم از بستر مهاجرت برمی خیزد و در واقع مهاجرت زمینه ساز جرایم محسوب می شود. البته نباید حکم مجرم بودن را برای تمام مهاجران صادر کرد. این موضوع را در اظهارات جرم شناسان و جامعه شناسان نیز می توان به راحتی جستجو کرد. به مهاجران ایرانی و غیر ایرانی هم محدود نمی شود. اگرچه ممکن است در شدت جرم میان این دو نوع مهاجر تفاوت قائل شد، اما در اصل موضوع خدشه وارد نمی کند. حاشیه نشینی که خود معلول گسترش شکاف طبقاتی، رشد بی رویه شهرنشینی و مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ است، از جهات متعددی موجب شیوع بزهکاری ها، انحرافات اجتماعی و عوارض ناشی از آنها می شود. شرایط نامناسب فیزیکی و معیشت غیراستاندارد حاشیه نشینان، تبعات زیادی بر رفتار آنان دارد که روی آوردن به بزهکاری و مسائل غیرفرهنگی، بخشی از پیامدهای سنگین آن است. بدیهی است این مساله نیز ناهنجاری های گوناگونی را به وجود می آورد (تاج زمان، ۱۳۷۶: ۳۲).

علل و عوامل عمده در پیدایش و شکل گیری شهرک های اقماری

۱) مشکلات اقتصادی: کمی در آمد روسای خانوار و بالا بودن بهای زمین و هزینه ساخت و ساز رسمی و گرانی اجاره بها نتایجی که از تحقیقات و پژوهش های انجام شده در بندر عباس حاصل شده نشانگر این امر است که ۶۰ درصد از روستای خانوارهای حاشیه نشین به علت گرانی اجاره بها کپرنشین شده اند و همین نتیجه در خصوص حاشیه نشینان همدان و کرمانشاه نیز بدست آمده و همچنین تفاوت قیمت تمام شده مسکن غیر رسمی با مسکن رسمی از دیگر علل شکل گیری حاشیه نشینی است. حسب اعلام مرکز مطالعات و تحقیقات شهر سازی و معماری در سال ۱۳۷۳ در مجموع قیمت تمام شده مسکن ساخته شده بصورت غیر رسمی حدود ۱/۳ مسکن رسمی با ابعاد مشابه می باشد (ربانی، ۱۳۸۶: ۳۹).

۲) دافعه های مبدا (مثل بی چیزی، نداشتن زمین): موجب گریز ساکنین آن از زادگاه های خویش و سرازیر شدن آنها بسوی شهر ها می شود و هزینه بالای زندگی شهری موجب پدید آمدن کانونهای حاشیه نشینی می شود.

۳) قطعه بندی زمین ها: عامل دیگر قطعه بندی های بزرگ زمین است که موجب افزایش قیمت زمین شده و امکان خرید زمین توسط افراد کم در آمد و کم بضاعت گرفته می شود و بناچار به مناطق حاشیه نشینی پناه می برند.

۴) فقدان منطقه بندی و کاربری نا مناسب زمین: اگر شهرها بصورت مناسب منطقه بندی و توسعه نیابند زمینه برای ساخت و ساز های غیر مجاز فراهم شده و محلات زاغه نشینی بوجود خواهد آمد. همچنین چنانچه زمین های مناسب برای خانه سازی به کاربری صنایع و یا دیگر موارد کاربری اختصاص یابد ممکن است محلات فقر نشین شکل بگیرند.

۵) مهاجرت: از عوامل موثر در شکل گیری حاشیه نشینی است مهاجرت اعم از مهاجرت افراد از روستاها و شهر های کوچک به شهر های بزرگ و نیز مهاجرت افراد از هسته داخلی شهر به حواشی آن می باشد. (ربانی، ۱۳۸۶: ۴۶).

تأثیر حاشیه نشین ها برای تهدید امنیت اجتماعی

حاشیه نشین ها جزء مناطق مستعد ارتکاب جرم هستند، فقدان نظارت امنیتی کافی وجود تعداد زیادی افراد نیازمند و بیکار، سطح پایین سواد، فقدان روشنایی کافی در معابر و وضعیت جغرافیایی بعضی مناطق همه باعث می شود مجرمین به راحتی در آنجا پناه گیرند و تا زمانی که این عوامل زمینه ساز وجود داشته باشد این مناطق بالقوه جرم خیز خواهند ماند. جوانان حاشیه نشین با فرهنگ ویژه روزها عازم مرکز شهر می شوند تا کاری دست و پا کنند. با توجه به فقدان تخصص و آموزش کافی، عمدتاً به کار دست فروشی، پهن کردن بساط، سیگار فروشی، کار در میدان تره بار و... می پردازند و به این ترتیب به صورت زائده فعالیت های شهری در می آیند. این مشاغل غیر تخصصی و زائد خود به عنوان یک عامل سوق دهنده بسوی جرم عمل می کنند. به عنوان مثال در یک مطالعه مربوط به مشاغل افراد معتاد، همه افراد نمونه مشاغل کاذب و غیر تخصصی داشتند. از دیگر جرائم مطرح در حاشیه نشین ها وجود دارد منکراتی است که به دلیل بروز بیماری های تناسلی و ایدز، اهمیت خاص دارد (کی نیا، ۱۳۷۱: ۲۵).

محیط زندگی حاشیه نشینی و ارتکاب جرم

قطعا در وقوع جرم محیط اعم از محیط اجتماعی و محیط زندگی تأثیر بسزایی دارد. و این امر به اثبات رسیده و در حال حاضر جرم شناسان، جامعه شناسان و حقوقدانان آن را مورد پذیرش قرار داده اند و نظریات و نتیجه تحقیقاتی که انجام شده و به برخی از آنها اشاره شد مبین تأثیر گذاری محیط در وقوع جرایم می باشد حال می خواهیم به برخی جهاتی که بعنوان محیط اطراف فرد موثر در ارتکاب جرم می باشد و شامل تأثیر مسکن و نوع آن در وقوع جرم، تأثیر ساکنان منزل در وقوع جرم و وضع ظاهری مسکن و نیز ارزش و طبع مسکن و نقش جرم زایی همسایگان است، اشاره کنیم.

الف) مسکن و نقش جرم زایی آن: مسکن هر خانواده ای نشانگر سطح اجتماعی و اقتصادی والدین آن خانواده است. والدین با انتخاب محل جغرافیایی مسکن خویش، مستقیماً اطرافیان اجتماعی کانون خانواده خود را در جامعه انتخاب می نمایند و موقعیت کانون خانواده به نوبه خود و در حد وسیعی به برخورد کودک با انواع الگوها و سرمشق های رفتار دامن زده و از این رهگذر اثرات خوب یا بدی حسب مورد در شکل گیری شخصیت کودک بجا می گذارد. اگر کانون خانواده در منطقه ای قرار گرفته که هر روز و بلکه هر ساعت مملو از وقوع جرایم مختلفی می باشد احتمال برخورد کودک با نمونه های متعددی از بزهکاری بیشتر است، نسبت به منطقه ای که این اعمال مجرمانه در آن بندرت اتفاق می افتد. نتیجه اینکه برخورد و مواجهه با اعمال مجرمانه تأثیر مستقیم در افزایش اعمال مجرمانه دارد (بیانلو، ۱۳۸۵: ۳۶).

ب) ساکنان مسکن و نقش جرم زایی آنها: مسکن اگر فاقد حداقل استانداردهای مورد پذیرش شهرسازان و جامعه شناسان و جرم شناسان نباشد و مساحت آن به نسبت ساکنین آن کمتر باشد چه بسا آثار سوء و شومی بر ساکنین آن منزل و علی الخصوص به کودکان و نوجوانان آن منزل خواهد داشت. از جمله این آثار سوء تحت تأثیر قرارداد حیات جنسی کودکان و نوجوانان می باشد. اگر والدین و کلیه اعضای منزل در یک اتاق شب را به سر برند و چه بسا روابط جنسی زن و شوهر تأثیر مخرب در کودک گذارده و موجبات بی بند و باری و انحرافات جنسی در آنها می شود. مبرهن است که در چنین کاشانه های محقری احتمال وقوع جرایمی مثل زنا با محارم بیشتر از سایر منازل می باشد. نتیجه تحقیقات انجام شده در مرکز وکرسون فرانسه نشانگر این است که حدود ۲۳/۴ درصد از موارد بزهکاری ناشی از کثرت جمعیت داخلی منزل می باشد. همچنین کثرت جمعیت در محلاتی که از خانواده های محقر و ناسالم تشکیل شده میزان بزهکاری بیشتر از سایر محلات است (بیانلو، ۱۳۸۵: ۶۵).

ج) ارزش مسکن، به بیان دیگر کیفیت مسکن و نقش جرم زایی آن: کیفیت مسکن موثر در بروز بیماریها و نیز موثر در بزهکاری است. نتیجه تحقیقات جرم شناسان مبین این امر است که تأثیر کیفیت مسکن در بزهکاری ۴ برابر بیشتر از تأثیر آن در بیماری است و حدود ۱۷ درصد از بزهکاران و ۴ درصد از بیماران در خانه های پست و کثیف منزل داشته اند (شیخی، ۱۳۸۰: ۳۷).

بند چهارم) همسایگان و نقش جرم زایی آنان: رفتار و برخورد همسایگان در شکل گیری شخصیت کودکان و نوجوانان تأثیر بسزایی دارد و این رفتارها و برخوردها می تواند در شکل گیری شخصیت ضد اجتماعی نقش موثری را ایفا نماید.

اعمال مجرمانه یا بزهکارانه قبل یا در حین شکل گیری حاشیه نشینی

(۱) تغییر کاربری اراضی : با عنایت به اینکه معمولاً کاربری اراضی که بعنوان حاشیه نشینی شکل گرفته غیر مسکونی است و ممکن است دارای کاربریهای زراعی ، باغات و فضای سبز باشد لذا اولین قدم در ایجاد حاشیه نشینی نقض مقررات مندرج در قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها مصوب ۱۳۷۴ و لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹ و قانون منع واگذاری اراضی فاقد کاربری مسکونی مصوب ۱۳۸۱ می باشد در حال حاضر تعداد زیادی پرونده در شعبات مختلف دادگاهها در این موارد تشکیل شده و در جریان رسیدگی است.

(۲) تصرف عدوانی : مطابق ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی تصرف عدوانی جرم است و در صورت احراز شرایط مندرج در ماده مرقوم مرتکب به یک ماه تا یکسال حبس و رفع تصرف عدوانی محکوم خواهد شد. چون از خصایص اراضی حاشیه نشینی تصرف عدوانی و بدون اجازه مالک اصلی آن اراضی، توسط مهاجرین می باشد لذا طرح و اقامه دعاوی در این خصوص اعم از جنبه کیفری و حقوقی آن از معضلات دادگستری ها می باشد . و چون معمولاً دلایل ارایه شده از سوی طرفین برای اثبات مالکیت، اسناد عادی یا شهادت شهود می باشد که از ناحیه هر دو طرف و بر علیه همدیگر ارایه می شود، رسیدگی و احراز صحت ادعای هر یک از طرفین کاری سخت و طاقت فرسا و وقت گیر می باشد. پرونده های بسیاری در محاکم مطرح شده که معمولاً تاخیر در فصل خصومت در خصوص آن موجب بروز اختلافات و احياناً جرایم دیگری می شود.

(۳) فروش مال غیر: زمینی که اساساً مالکیت آن نسبت به فرد متصرف (حاشیه نشین) به اثبات نرسیده از ناحیه ایشان مورد تصرف و احداث بناء غیر مجاز واقع می گردد و سپس مورد نقل و انتقال به وسیله اسناد عادی و حتی اسناد رسمی مالکیت که در اجرای مادتهای ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون ثبت اعطا شده ، قرار می گیرد و مالک اصلی زمین که در مواردی دولت نیز می باشد در جریان این روند قرار می گیرد و به استناد سند مالکیت رسمی خویش و دفتر املاک اداره ثبت در مقام اقامه شکایت بر می آید و چون در بیشتر موارد منشاء مالکیت شخص متصرف (حاشیه نشین) مشخص نمی باشد لذا در این موارد جرم انتقال مال غیر اتفاق افتاده و مرتکب را به استناد قانون راجع به مجازات انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۷ و ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام از یک سال تا ۷ سال و نیز رد مال و همچنین جزای نقدی معادل مال مزبور محکوم نمود (احمدیان، ۱۳۸۲: ۲۹۶).

(۴) ساخت و سازهای غیرمجاز : هرچند مرجع صالح برای رسیدگی به ساخت و سازهای غیرمجاز کمیسیون های ماده ۱۰۰ قانون شهرداری است ولی مطابق آیین نامه امور خلافی دادگستری نیز از حیث تعیین مجازات ارتکاب امر خلافی (ساخت و ساز غیرمجاز) که جرم به مبلغ بسیار ناچیزی است صلاحیت رسیدگی دارد. همچنین در بسیاری از موارد در مقام مقابله پلیس ساختمان با ساخت و سازهای غیرمجاز ، جرایم دیگری از جمله ضرب و شتم ، توهین و اهانت ، تهدید و تخریب به وقوع می پیوندد که همگی آمار موجودی دادگستری ها را به شدت افزایش می دهند و موجب تراکم کار در این مرجع می گردند.

اعمال مجرمانه یا بزهکارانه در بعد از شکل گیری شهرک های اقماری

(۱) سرقت: سرقت از جمله جرایم علیه اموال است و جرم شناسان عللی را برای آن برشمرده اند از جمله فقر و نیاز مالی، بیکاری، اعتیاد، انتقام جویی و کینه و حسد. بیشتر علل یاد شده را می توان در مناطق حاشیه نشین مشاهده نمود. در بیشتر موارد این افراد در محل های مرفه نشین، یا متوسط شهر اقدام به سرقت می نمایند. در مناطق حاشیه نشین سرقت برق، آب و گاز و تلفن نیز شایع است. چون این مناطق خصوصاً در مراحل اول شکل گیری آن فاقد خدمات فوق هستند به نحوی از انحاء و با انجام سیم کشی ها و لوله کشی های پنهانی اقدام به سرقت آب، برق، گاز و تلفن از نزدیک ترین محل ممکن (اعم از مسکونی، صنعتی، تجاری و خدماتی) می نمایند (الهیان کیکانلو، ۱۳۸۴: ۳۹).

(۲) قتل عمد: تعارض خرده فرهنگ ها، خصومت و اختلافات دیرینه، سودجویی و تحصیل اموال، جریحه دار شدن غیرت و آبرو و نزاع های اتفاقی و اعتیاد از جمله علل وقوع قتل می باشد. این علل و عوامل به روشنی در مناطق حاشیه ای قابل رویت می باشد. بیشتر قتل های اتفاق افتاده یا در این مناطق صورت می گیرد یا توسط کسانی که در این مناطق زندگی کرده اند به وقوع می پیوندد.

(۳) نزاع های دسته جمعی: از جرایم شایع در مناطق حاشیه ای می باشد چون ساکنین این مناطق معمولاً مهاجرین از روستاها و ایلهای می باشند و معمولاً در یک محل و در نزدیک هم سکنی می گیرند و در مواقعی به سبب درگیری های جزئی حادث شده بین دونفر و حتی کودکان نزاع های دسته جمعی شدیدی که معمولاً منجر به کشته و زخمی شدن عده ای از منازعه کنندگان می شود، رخ می دهد (الهیان کیکانلو، ۱۳۸۴: ۴۴).

۴) تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست: ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر داشته است: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه، زباله در خیابان ها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می باشد و مرتکبین چنانچه مطابق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یکسال محکوم خواهند شد». در مناطق شهرک های اقماری، فاضلاب منازل در کوچه ها رها شده، جدول کشی و کانال کشی مناسبی جهت هدایت این آبهای کثیف وجود ندارد و این آبها در سطح کوچه ها در جریان است. خدمات شهری مثل جمع آوری و دفع زباله به آن شکلی که در داخل شهرها وجود دارد در این مناطق دیده نمی شود و در برخی از منازل احشام نگهداری می شود و فضولات آن در منزل و محله منتشر می شود. کشتارهای غیرمجاز و غیر بهداشتی در این مناطق صورت می گیرد و همه این موارد از مصادیق جرم تهدید علیه بهداشت عمومی و محیط زیست می باشد که قابل تعقیب کیفری هستند. همچنین تخلفات بهداشتی که در اماکن عمومی مناطق حاشیه ای مثل مغازه ها و نیز آلودگی های صوتی و آلودگی هوا که در این مناطق مشهود است نیز از همین نوع می باشد(مهدی زاده، ۱۳۸۲: ۳۳).

۵) اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی: توزیع مواد مخدر در این مناطق به راحتی امکان پذیر است و آن هم ناشی از احساس امنیتی است که توزیع کنندگان این مواد در آن مناطق دارند. و بلحاظ فقر علمی و آگاهی ساکنین این مناطق و بیکاری وسیع و جهت رهایی یافتن مقطعی از برخی فشارهای روحی و غیره میل به استعمال مواد مخدر در این مناطق بیشتر می باشد. برخی از جوانان بیکار و حتی نوجوانان شغل و حرفه خود را خرید و فروش مواد مخدر قرار داده اند و یا مکان و وسایل استفاده از آن را در اختیار متقاضیان قرار می دهند و از این راه به کسب سود ناآل می آیند(عبادی نژاد، ۱۳۸۳: ۲۵).

۶) جرایم تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق: بلحاظ فقدان مالکیت رسمی و مشکلات جانبی آن در این مناطق همیشه جرایم یاد شده بوقوع می پیوندد.

پیامد و اثرات حاشیه نشینی

به دنبال پدیدار شدن اجتماعات حاشیه نشینی مسائل و مشکلاتی دامنگیر شهرها شد که شاید بطور مستقیم است که عوامل بوجود آورنده و تشدید کننده حاشیه نشینی مسبب آن هستند تأثیرات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و گاه سیاسی حاشیه نشینی بر سیستم اقتصادی حاکم بر کل جامعه بر روابط اجتماعی و محیط زندگی شهری و همچنین بر فرهنگی که با آن در تماس هستند، و محیط زیستی که به آلودگی و خطرات موجود در آن دامن می زنند بسیار خطرناک و مخرب می باشد. اغلب از حاشیه نشینان به عنوان یک معضل اجتماعی نام برده می شود اما این پدیده در حقیقت نتیجه ای از تخریب سیستماتیک روابط حاکم قدیمی بر اقتصاد کشور طی دوران تکیه بر درآمد نفت و رواج الگوی مصرف گرایی و گسترش واردات البته گاه نقش عامل سیاسی را نیز در تلاشی کردن جوامع ایلی و روستایی به آن اضافه می کند در کنار آن بورس بازان، رشوه خواران و قاچاقچیان حداکثر استفاده و بهره برداری را از مردم و محل این اجتماعات می کنند آسیب های اجتماعی مانند رواج بزهکاری و آدمکشی اعتیاد به مواد مخدر یا پخش و فروش آن و روسپیگری به سرعت در بین آنان گسترش می یابد در جامعه شهری و از آنان به عنوان افرادی بی فرهنگ نام برده می شود که فرهنگی ویژه خود دارند مردم شهری تمایل به ایجاد ارتباط و تماس با آنان نشان نمی دهند خود آنان نیز به ندرت می توانند در بین اجتماعات شهری جایی والا بیابند و یا در سازمانهای دولتی راه پیدا کنند این حاشیه زیستن را جامعه شهری به آنان تحمیل می کند آنان به جای سعی و تلاش به شانس معتقد هستند این افراد با احساس حقارت خود را پایین تر از طبقه مرفه شهری بحساب آورده و مشاغل پست را قبول می کنند این افراد به علت دستمزد پایین که خود ناشی از عرضه فراوان نیروی کار غیر ماهر است دارای درآمد ناچیز هستند به همین دلایل قادر به تهیه مسکن بالاتر نیستند و بدین ترتیب حاشیه نشینی همچنان ادامه می یابد استفاده از آلودگیها، کپرها، زباله ها و وجود افراد زیاد و تراکم بسیار در فضاهای محدود از نظر تربیتی روی فرزندان آنان تأثیر می گذارد بسیاری از کودکان در محیطی آلوده و کثیف به دور از مدرسه و بدون هیچ وسیله پرورشی و تربیتی بزرگ می شوند از نتایج دیگر حاشیه نشینی عکس العمل سریع آنها نسبت به ناآرامی های سیاسی است آنان همواره خواهان دولتی هستند که به وضع آنان رسیدگی کند و طرفداری از کسانی می کند که وعده های مختلف به آنان می دهد (شکویی، ۱۳۶۹: ۴۴).

حاشیه نشینی و تهدید امنیت اجتماعی

یکی از پیامدهای نامطلوب حاشیه نشینی، پایین آمدن ضریب امنیت اجتماعی در شهرها است. پایین بودن سطح سواد مهاجرین ، فقدان مشاغل تخصصی در مقابل مشاغل همچون دستفروشی، کوپن فروشی، فروش مواد مخدر ، فروش مشروبات الکلی، دزدی، جنایت ، فحشا و گسترش بیماری های اپیدمی مانند ایدز و ... همه این موارد به نوعی در فضای حاشیه نشین وجود دارد . این امر به ظاهر مشکلات مناطق حاشیه شهر پنداشته می شود اما به نوعی این افراد بیکار که دست غالب آنها آلوده به رفتار شکنی و هنجار شکنی هستند کل فضای شهری را نا امن کرده و از جنبه اقتصادی و اجتماعی موجب بگاری گیری نیروهای کاردان در برابر هنجارشکنان و ایجاد فضایی برای نگهداری آنها از یک طرف و اعمال حرکات و رفتارهای نامطلوب در سطح گسترده نه تنها امنیت اجتماعی مردم را تهدید می کنند و چه بسا امنیت ملی و منطقه ای را زیر سوال ببرند. غالبا با گسترش حاشیه نشینی طیف مرفه شهری و تحصیل کرده ها در ابتدا با پدیده جدا گزینی در سطح شهر و سپس از فضای شهری مهاجرت می کنند. بی شک حاشیه نشینی رابطه ای نزدیک و ناگسستنی با بزهکاری و ارتکاب جرم دارد در واقع باید گفت حاشیه شهرها مکان هایی مستعد برای بروز و ظهور انواع جرائم و بزه ها است. رشد قاچاق مواد مخدر، گسترش شبکه ها و باندهای مافیایی توزیع مواد مخدر که از جمله جرائم مشهود در این مناطق است، بیش از سایر مناطق شهری است که علت این امر نیز کنترل ضعیف و یا عدم نظارت صحیح از سوی نیروهای انتظامی و امنیتی است. نسبت ارتکاب اعمال مجرمانه و خشونت امیز نیز در حاشیه شهرها بیشتر از سایر مناطق شهری است . کمبود پاسگاههای انتظامی به نسبت کسرت جمعیت و فقدان نظارت مناسب و کارآمد در این حاشیه ها موجبات انواع ناهنجاری های اخلاقی و اجتماعی را فراهم می آورد ضمن آنکه میزان جنایت ها، دزدی ها، روسپی گری- ها، قاچاق مواد مخدر، نافرمانی از قوانین شهری از آمار بالاتری برخوردار است (مسعودی فر، ۱۳۸۵: ۶۵).

حاشیه نشینی و تاثیر آن در افزایش بزهکاری

دورکیم توسعه شهرنشینی تحت افزایش جمعیت و مهاجرت و حاشیه نشینی را از جمله عوامل موثر بر خارج شدن جوانان از نظارت بزرگترها می داند که طی آن از اهمیت و نفوذ سالمندان کاسته شده و بر سرعت تغییرات و تحولات افزوده است و علت همه رفتارهای غیر عادی را در محیط اجتماعی جستجو می کند و در نهایت عقیده دارد که جرم یک پدیده طبیعی و اجتماعی است و بین جرم و فرهنگ محل وقوع جرم ارتباط وجود دارد. گرچه امروزه حاشیه ها را جزئی از شهرها می دانیم که بافتی مشترک با شهرها پیدا کرده اند ولی حاشیه ها اغلب دارای فرهنگ ناباوری هستند و همچنان به مناطق جرم خیز و مشکل زا تبدیل می شوند . مناطقی که به گفته برخی جامعه شناسان ، فرهنگ فقر منطقه ای مشخصه اصلی این مناطق است و جرم و جنایات که زاییده این فرهنگ است که نه تنها تهدیدی علیه ساکنین خود به شمار می رود بلکه نگرانی ساکنین شهرها را نیز برانگیخته است. فقدان نظارت امنیتی، وجود تعداد زیادی از افراد نیازمند و بیکار، سطح پایین سواد ، فقدان روشنایی کافی در معابر و وضعیت جغرافیایی بعضی مناطق وجود مخروبه ها و فضاهای خلوت و مخفی همه باعث می شود مجرمین به راحتی در آنجا پناه گیرند و تا زمانی که این مناطق بالقوه جرم خیز خواهند ماند . جوانان حاشیه نشین با فرهنگ ویژه روزها عازم مراکز شهر می شوند تا کاری پیدا کنند . با توجه به فقدان تخصص و آموزش کافی عمدتا به کار دست فروشی سیگار فروشی، کار در میدان تره بار و امثال آن می پردازند و به این ترتیب به صورت سربار در فعالیت های شهری در می آیند این مشاغل غیر تخصصی وزاید خود به عنوان یک عامل سوق دهنده به سوی جرم عمل می کنند به عنوان مثال در یک مطالعه مربوط به مشاغل افراد معتاد همه افراد نمونه مشاغل کاذب و غیر تخصصی داشتند. با توجه به رشد حاشیه نشینی و کمرنگ شدن مرز حد فاصل میان شهرها حاشیه ها از یک سو و افزایش قتل و جنایات در این مناطق از سوی دیگر این مکان ها را به مکان هایی با ضریب ناامنی بسیار بالا تبدیل کرده است که هر روز شاهد درگیری ها ، نزاع ها و ناهنجاری های اجتماعی در این مناطق می باشیم (احمدیان، ۱۳۸۲: ۴۴).

حاشیه نشینی و امنیت اجتماعی

واقعیت تحولات بزرگ و مهم در ایران زمینه را برای بروز مسائل اجتماعی فراهم آورده است. در بستر متحول امروز ، فرهنگ دچار تغییراتی گردید و به نوبه خود ، فرد و جامعه را در معرض این تحولات قرار داد. با روند روز افزون شهر نشینی در ایران (حدود ۷۱٪ جمعیت کشور) و تغییر در سبک زندگی، افراد را به واکنش های متفاوتی در برابر این تغییرات سوق داده است(دفتر امور اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه استان مازندران ۱۳۸۲). اگر شدت این تحولات را در نظر داشته باشیم ، اهمیت و کم و کیف نظم در کشور به وضوح نمایان است. بنابراین برقراری ثبات و نظم در جامعه و تداوم آن، لزوم بررسی و ارزیابی آنها در سطح کلان جامعه ، از محوری ترین موضوعات به شمار می رود . گسترش شهرنشینی و مهاجرت به شهرهای بزرگ ، ناهنجاری ها و آسیب های فراوانی را به همراه داشته است. به اعتقاد دورکیم در شهرهای بزرگ " وجدان جمعی " کم رنگ شده و این تحرک سریع در ساختار اجتماعی و از هم پاشیدگی شبکه ها ، احتمال بروز بی هنجاری را شدت می بخشد. در این اجتماعات ، افراد با قومیت ها و فرهنگ های متفاوت ، حیات اجتماعی جدیدی را آغاز می کنند و با اتکا به یک وحدت اخلاقی و همبستگی ارگانیک ، یکپارچگی جامعه خویش را فراهم می آورند. شهرهای بزرگ و پر جمعیت، بستری برای انحراف و گریز از ارزش های حاکم بر جامعه و ایجاد اختلال و ناامنی نیز محسوب می شود زیرا عواملی مانند رشد حاشیه نشینی اجتماعی، افزایش یأس اجتماعی، گسترش جرم و جنایت، چند پارگی فرهنگی ، فقر اقتصادی ، فقر فرهنگی، کمبود بهداشت در حومه ی شهرها و ... توافق جمعی را در بین گروه های شهری به شدت کاهش می دهد و از همبستگی اجتماعی بالای شهر های کوچک و روستاها در این قبیل شهرها اثری نیست . شهروندان یا به عبارتی هم شهری ها با ایجاد تعاملات و ارتباطات با دیگران ، حقوق اجتماعی را از خلال قوانین موجود بازتولید می کنند؛ آزادی بیان ، آزادی اجتماعات ، مالکیت و ... محصول این حقوق است اما فرد حق ندارد با آزادی خود ، دیگران را از آزادی محروم کند(دفتر امور اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه استان مازندران ۱۳۸۲). برای برقراری و استحکام نظم اجتماعی ، ۲ نوع نظم در جامعه وجود دارد ؛ نظم بیرونی و نظم درونی . در نظم درونی به دلیل نبود اجبار و اعمال قدرت از بالا ، " از موهبت اعتماد اجتماعی دو جانبه ، تعهد تعمیم یافته ، نوعی همدلی ملی و ثبات " برخوردار است . با وفاق اجتماعی می توان رفتارهای اجتماعی و تعاون اجتماعی را پیش بینی کرد و از این طریق زمینه را برای مشارکت و توسعه اجتماعی فراهم کرد. از سویی دیگر با فرایند قدسی شدن متناوب ، کنترل و مدیریت جریان انرژی عاطفی در جامعه می توان طراوت فرهنگی را نیز حفظ کرد. وضعیت رو به گذار ایران و موقعیت نابه سامان اقتصادی و مشکلات روزمره افراد جامعه ، بحث در مورد فرهنگ و مسائل فرهنگی را به حاشیه رانده بود. در سال های اخیر توجه به فرهنگ و تأثیر آن بر توسعه و پیشرفت ، از ضروریات محسوب می شود و آن چه در بحبوحه ی این نا به سامانی های زندگی شهری رنگ اهمیت به خود می گیرد، احساس امنیت و وجود امنیت در تمام ابعاد آن است . اگر فرهنگ را طریقه و شیوه ی زندگی تلقی کنیم ، دامنه نامحدودی را متعلق به فرهنگ دانسته ایم. هر نوع رفتار و عمل فرد در جامعه ، منوط به ارزش ها و هنجارهای فرهنگی خاصی است که در آن رشد و نمو یافته است. گسترش رسانه ها و تولید کالاهای فرهنگی، ارتباطات جهانی و آشنایی با فرهنگ های دیگر و به طور کلی پدیده ی جهانی شدن به تدریج سبک های جدید تری از زندگی و شیوه ی نگرش را به مخاطبان القا می کند و همین امر به پیدایش برنامه های فرهنگی و یا به عبارتی " سیاست فرهنگی " انجامید. با توجه به خصلت تدریجی بودن فرهنگ و عناصر فرهنگی، برنامه ریزی های فرهنگی نیازمند گذر زمان و طرح های بلند مدت هستند تا از تزریق ناگهانی در فرهنگ و بروز ناامنی و بی هنجاری در سطح جامعه جلوگیری به عمل آید. در این میان باید اهمیت تحول فرهنگی و نیاز به تغذیه فرهنگی افراد در جامعه را در نظر داشت. گسترش آموزش همگانی ، افزایش طول سالهای تحصیل ، افزایش فارغ التحصیلان دانشگاه ها ، فزونی دوره ی بی مسئولیتی موقت جوانان ، رشد نرخ مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان و ... همگی نیازمند مصرف کالای فرهنگی و مقولات فرهنگی است که در ضمن برقراری نظم و ثبات ، بتواند پاسخگوی این مسایل باشد. (ماکس وبر ۱۳۶۹) بلوک در کتاب خود با نام " اختلال فردی و اجتماعی " خاطر نشان می سازد که افراد هنگامی که بر اثر تغییرات نا به هنگام و عمیق اجتماعی غافل گیر می شوند و از تطبیق دادن خود با آن تغییرات در می مانند، ممکن است ۵ راه در پیش گیرند: ۱) به آداب و رسوم نوین تن می دهند و تلاش می کنند خود را با آن منطبق سازند. ۲) برای خود مشی اخلاقی خاصی ایجاد می کنند و تلاش می کنند که جامعه آن را بپذیرد. ۳) با پرداختن به روشهای غیر اجتماعی مانند جنایت و تبهکاری ، علیه نظام موجود طغیان می کنند و بدان حمله می کنند. ۴) از اجتماع دوری می گزینند و مبتلا به امراض روحی گوناگون می گردند.

نتیجه گیری

حاشیه نشینی یک معضل کلان شهری می باشد که نشان دهند ضعف در ساختار اجتماعی و اقتصادی است، حاشیه نشین ها جزء مناطق مستعد ارتکاب جرم هستند فقدان نظارت امنیتی کافی، وجود تعداد زیادی افراد نیازمند و بیکار، سطح پایین سواد، فقدان روشنایی کافی در معابر و وضعیت جغرافیایی بعضی مناطق باعث می شود مجرمین به راحتی در آنجا پناه گسترند. علاوه بر این موارد احساس ناامنی در محله، تنها به دلیل جرایم خشونت آمیز نیست بلکه ناهنجاری ها و رفتارهای اخلاص گران های چون اعتیاد، ولگردی، تددی گری و سرقت، گذشته از اینکه عامل اصلی ترس و احساس ناامنی عمومی اند به نوبه خود قطعاً زمینه رواج گسترده جرایم را نیز فراهم می نمایند. برای پیشگیری از انهدام اجتماع باید به محض شکسته شدن اولین هنجار فوراً با هنجار شکن برخورد کرد. موضوع حاشیه نشینی یکی از معظلات شهری است که از حیث بستر قرار گرفتن برای ارتکاب جرایم مورد توجه کارشناسان حقوقی و قضایی و جرم شناسی بوده است اینکه جرایم در مناطق حاشیه ای بسیار بیشتر از سایر مناطق اتفاق می افتد مورد پذیرش همه استو تا زمانی که عوامل زمینه ساز جرم و بزهکاری در این مکان ها وجود داشته باشد این مناطق بالقوه جرم خیز خواهند ماند. برای جلوگیری از تأثیرات سوء این پدیده علاوه بر تلاش در جهت اصلاح این ساختارها باید راهکارهایی جهت جلوگیری از گسترش بیدرنگ آن نمود. و البته با توجه به اثرات مخرب حاشیه نشینی بر شهر، کاهش مشکلات حاشیه نشینان خصوصاً در زمینه های اشتغال، فرهنگ و بهداشت باید نقش پررنگی در مدیریت کلان شهر ی داشته باشد. در کل باید گفت که آنچه حاشیه نشینی را به فاجعه تبدیل می کند محدودیت های طبیعی نیست بلکه فقدان برنامه ریزی منطقی انسان در برخورد با محیط است که آن را به یک فاجعه ملی یا منطق های تبدیل می کند. در انتها با توجه به وجود حاشیه نشینی وسیع در کشور و شهرهای بزرگ لزوم بهبود شرایط زندگی در آن مکان ها از لحاظ محیطی و اجتماعی با انواع راهکارهای آموزشی و مدیریتی و ارائه خدمات در کنار این مسائل باید به راهکارهایی برای جلوگیری از شکل گیری این مکان ها نیز چاره اندیشی شود که از دلایل اصلی شکل گیری آنها مهاجرت های روستایی میباشد ضروری است به تدابیر و راهکارهای صحیح در خصوص کنترل عوامل مهاجر فرستی از روستاها و شهرهای کوچک و مناطق محروم اندیشید و به بهبود شاخص های توسعه فرهنگی و اقتصادی و سلامت محله ای و... در این مناطق برای جلوگیری از مهاجرت و گسترش حاشیه نشینی و بروز عواقب منفی ناشی از آنها پرداخت. آنچه که اکنون بعنوان حاشیه نشینی شناخته شده جزء جریان دیرپا و تاریخی مهاجرت جمعیتی جویای کار و رفاه و گریزان از روستاها و شهرهای کوچک به لحاظ دافعه های آن و نیز پس رانده شدن فقرا از درون شهرها به حاشیه آن، چیز دیگری نیست و این فرآیند معلول طبیعی توسعه است در گذر از روستا نشینی به شهر نشینی و در طی مسیر توسعه مطمئناً با این پدیده اجتماعی مواجه خواهیم بود و تا زمانی که حاشیه ها در برابر شهرها قرار گیرد حاشیه نشینی پدیده ای ناهنجار و ناپذیرفتنی است ولی زمانی که به پیشینه تاریخی این پدیده نگریسته شود آن را یک جریان دائمی، ماندگار و گریز ناپذیر و حتی به عقیده برخی کارشناسان لازم و مفید برای توسعه می دانند. پس این عقیده که باید مناطق حاشیه نشینی را تخریب کرد قابل دفاع نمی باشد و می بایست با ساماندهی آن و فراهم کردن امکانات مورد نیاز برای حاشیه نشینان و کم کردن فاصله و خلاء موجود بین آنها و شهرنشینان اقدام کرد و این امور که از لوازم و مقدمات پیشگیری و کاهش میزان جرایم در این مناطق است امکان پذیر نمی باشد مگر با مشارکت و همکاری و همدلی کلیه دستگاه های مسئول، اگر چنین مشارکتی صورت پذیرد و راهکارهای توصیه شده در قبل بکار گرفته شود مطمئناً نظاره گر ایجاد و گسترش حاشیه نشینی در کشور و به تبع آن گسترش جرم و جنایات نخواهیم بود.

امروزه عوامل و عناصر مختلفی در بروز آسیب های اجتماعی و جرایم در کلانشهرها مؤثر می باشد. از جمله این عوامل به نارسایی های فرهنگی و اجتماعی، تراکم نامناسب جمعیتی، تنوع قومی و تضادهای فرهنگی، بیکاری، فقر اقتصادی و رواج مشاغل کاذب مهمترین عوامل رشد و گسترش جرایم شهری می توان اشاره کرد. حاشیه نشینی از جمله پدیده های ناشی از فقر فرهنگی و اقتصادی است که در تشدید و تسهیل آسیب های اجتماعی و جرایم شهری نقش بسزایی دارد. به طوری که رابطه مستقیم و دو سوی های بین آسیب های اجتماعی و حاشیه نشینی وجود دارد. یعنی حاشیه نشینی و آسیب های اجتماعی علت و معلول یکدیگرند. از عوامل تشدید کننده آسیب های اجتماعی در مناطق حاشیه نشین می توان به عدم توجه مسئولین به عدالت اجتماعی و اقتصادی در سطح شهر و عدم توانمند سازی حاشیه نشینان اشاره کرد. خدمات رسانی و فراهم نمودن تسهیلات برای توانمندسازی ساکنان مناطق حاشیه نشین از طریق آموزش های مناسب و ایجاد مشاغل تعاونی در سطوح خرد می تواند در پیشگیری و کاهش جرایم شهری بسیار مؤثر باشد. پایین بودن سطح تحصیلات ساکنان بومی و ضعف آگاهی های اجتماعی موجب شده این قشر از جامعه نقش ضعیفی در توسعه و تعالی جامعه شهری داشته باشند. پایین بودن سطح آگاهی حاشیه-

نشینان موجب شده در تولید اقتصادی جامعه هم نقش اندکی داشته باشند. بنابراین توسعه فرهنگی و آموزش های لازم در ابعاد اجتماعی و اقتصادی و به ویژه توسعه اشتغال مفید، مهم ترین راهکار ساماندهی حاشیه نشینان شهری است.

منابع و مراجع

- (۱) دانش، تاج زمان، ۱۳۷۸، مجرم کیست و جرم شناسی چیست، چاپ سوم، تهران: انتشارات کیهان.
- (۲) سیدی، علی، ۱۳۸۴، تحلیل مکانی فضایی مشکلات مراکز جمعیتی (شهر روستا) حاشیه شهر مشهد، پایان نامه دکترا، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
- (۳) صدیق سروستانی، رحمت اله، ۱۳۸۱، آسیب شناسی اجتماعی، چاپ دوم، تهران: انتشارات آن.
- (۴) عبادی نژاد، سیدعلی، ۱۳۸۳، نقش حاشیه نشینی در بروز ناامنی، فصلنامه مرز و اندیشه، دانشکده مرزی انتظامی، سال دوم، شماره ۴.
- (۵) مسعودی فر، رضا. تاثیر حاشیه نشینی در وقوع جرم، تهران، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۵.
- (۶) بیانلو، یوسف؛ بررسی رابطه عوامل جمعیت شناختی و شرایط بوم شناختی با نوع جرم و نرخ جرم در شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۸۵.
- (۷) ستوده هدایت اله آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)، انتشارات آواری نور، ۱۳۸۰.
- (۸) عابدینی در کوش، سعدی، درآمدی بر اقتصاد شهری، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی. ۱۳۶۴.
- (۹) انصاری، عبدالمعبود، ایرانیان مهاجر در ایالات متحده، پژوهشی در حاشیه نشینی دوگانه، ترجمه دکتر ابوالقاسم سری، تهران: نشر آگه، ۱۳۸۱.
- (۱۰) شکویی، حسین، جغرافیای اجتماعی شهرها (اکولوژی اجتماعی شهر). چاپ دوم، تهران: نشر جهاد دانشگاهی. ۱۳۶۹.
- (۱۱) جرم شناسی نظری، ریموند گسن، ترجمه مهدی کی نیا، انتشارات مجد، اردیبهشت ۱۳۷۷.
- (۱۲) محسنی، رضاعلی، بررسی عوامل موثر بر حاشیه نشینی و عوارض ناشی از آن در خاک سفید تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی. ۱۳۷۱.
- (۱۳) احمدیان، محمدعلی حاشیه نشینی؛ ریشه ها و راه حل ها، اندیشه حوزه، شماره ۴۳ و ۴۴، آذر اسفند ۱۳۸۲، (از صفحه ۲۷۶ تا ۲۹۶).
- (۱۴) الهیان کیکانلو، حمید. بررسی رابطه عوامل محیط طبیعی و اجتماعی در پیدایش جرم و روند آن در شهر بجنورد. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی. ۱۳۸۴.
- (۱۵) شیخی، محمد. تبیین فرایند شکل گیری و دگرگونی سکونتگاه های خودروی پیرامون کلانشهر تهران مطالعه موردی اسلام شهر، نسیم شهر و گلستان، پایان نامه دکتری رشته شهرسازی، دانشگاه تهران. ۱۳۸۰.
- (۱۶) اصغری زمانی، اکبر، پژوهشی در روند حاشیه نشینی ایران (مطالعه موردی تبریز)، صص ۳۸ و ۳۹.